

سوره اعراف

سیمای سوره

این سوره دویست و شش آیه دارد و از سوره‌های مکّی است. در این سوره از اصحاب اعراف و داستان اعراف (آیه 46 و 48) سخن به میان آمده، لذا به «اعراف» نامگذاری شده است.

این سوره سومین سوره‌ای است که با حروف مقطعه آغاز می‌شود و اولین سوره از سوره‌های سجده‌دار قرآن است و در آیه‌ی آخر آن، سجده مستحبّ وارد شده است.

از میان یکصد و چهارده سوره‌ی قرآن، هشتاد و شش سوره در مکه نازل شده است که معمولاً درباره‌ی اصول عقائد و مبارزه با شرک و توجه دادن به مقام انسان و امثال آن بحث می‌کند.

در این سوره، به ماجرای آدم علیه السلام با ابلیس، داستان حضرت نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی علیهم السلام، بیان اصول و مبانی دعوت پیامبر اسلام و شرح احوال قیامت، توبه و اصلاح خویشتن، موضوع عرش، میزان، عالم ذرّ و پیمان خداوند با انسان و بیان قرآن و عظمت آن و اعراف و اصحاب اعراف اشاره شده است.

تفسیر نور، ج 4، ص: 15

در اینجا باید خاطر نشان سازیم که این سوره قسمت عمده و مقدار قابل ملاحظه‌ای از معارف الهی را متضمن است، از آن جمله وصف ابلیس و لشکرش، وصف قیامت و میزان، اعراف و عالم در و میثاق، و وصف مردم با ایمانی که همیشه به یاد خداوند و نیز از آن جمله ذکر عرش و تجلی پروردگار و اسمای حسنی او و بیان این حقیقت که برای قرآن تاویلی است. و نیز متضمن مجملاتی است از واجبات و محرمات مانند:

" قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ " و آیه " إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ "

و آیه

" قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ "

و از همین جا می‌توان استفاده کرد که نزول سوره اعراف قبل از نزول سوره انعام بوده، زیرا در سوره انعام آیه " قُلْ لَا أُجِدُّ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ ... " وجود دارد که از آن بر می‌آید حکم به اباحه ما سوای آنچه که از محرمات استثنا شده قبلاً نازل شده بوده، و آیه مزبور به آیات این سوره اشاره می‌کند.

از ظهور این آیه هم که صرفنظر کنیم احکام و شرایعی که در این سوره ذکر شده اجمالی‌تر از آن احکامی است که در سوره انعام در آیه " قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ " و آیات بعدیش ذکر گردیده.

و این خود دلیل روشنی است بر اینکه سوره اعراف قبل از سوره انعام نازل شده است، چون همه می‌دانیم که طریقه تشریح احکام در دین اسلام این بوده که نخست احکام به طور سربسته و مجمل ذکر شده و سپس بتدریج توضیح بیشتری پیرامون آن داده می‌شد، در آخر، پرده از روی همه جزئیات آن برداشته می‌شده است.

ترجمه المیزان، ج 8، ص: 6

فضیلت تلاوت این سوره:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هر کس سوره اعراف را در هر ماه بخواند در روز قیامت، از کسانی خواهد بود که نه ترسی بر آنهاست و نه غمی دارند (من الذین فلا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون) و اگر در هر جمعه بخواند، در روز قیامت از کسانی می‌باشد که بدون حساب به بهشت می‌رود».

برگزیده تفسیر نمونه، ج 2، ص: 23

المص

یکی از اهداف این حروف، جلب توجه شنوندگان، و دعوت آنها به سکوت و استماع بوده باشد، زیرا ذکر این حروف در آغاز سخن، مطلب عجیب و نوظهوری در نظر عرب بود، و حس کنجکاوی او را برمی‌انگیخت، و در نتیجه به دنباله آن نیز گوش فرا می‌داد و اتفاقاً غالب سوره‌هایی که با حروف مقطعه شروع می‌شود سوره‌هایی است که در مکه نازل شده است و می‌دانیم در آنجا مسلمانان در اقلیت بودند و دشمنان لجوج و سرسخت، حتی حاضر نبودند، به سخنان پیامبر ص گوش فرا دهند- سهل است- گاهی آن چنان سر و صدا و غوغا به راه می‌انداختند، که صدای پیامبر ص در میان آنها گم می‌شد، که در بعضی از آیات قرآن (مانند آیه 26 سوره فصلت) اشاره به این مطلب شده است.

و نیز در بعضی از روایات که از طرق اهل بیت ع آمده می‌خوانیم که این حروف رموز و اشاراتی است به نامهای خداوند، مثلاً "المص" در سوره مورد بحث اشاره به انا الله المقتدر الصادق می‌باشد. یعنی "من خداوند توانای راستگو هستم" و به این ترتیب هر یک از حروف چهارگانه شکل اختصاری یکی از نامهای خدا است.

موضوع جانشین ساختن اشکال اختصاری به جای اشکال مفصل کلمات از قدیم رائج بوده، اگر چه در عصر و زمان ما به صورت بسیار گسترده‌تری مورد بهره- برداری قرار گرفته است و بسیاری از عبارات طولانی و اسامی مؤسسات یا انجمنها را در یک کلمه کوتاه خلاصه می‌کنند. ذکر این نکته نیز لازم است که این تفسیرهای مختلف برای "حروف مقطعه" هیچگونه منافاتی با یکدیگر ندارند، و ممکن است در آن واحد تمام این تفسیرها به عنوان بطون مختلف قرآن، اراده شود.

تفسیر نمونه، ج 6، ص: 78

در تطبیق این حروف مقطعه و سایر اوائل سور بر حروف ابجد و بیان مدت ملک نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با اینکه کذب ظاهر است حضرت باقر علیه السلام رد فرموده فرمود:

(ان هذه الآيات انزلت مع آیات محكمات عن أم الكتاب و اخر متشابهات و هی تجری فی وجه اخر علی غیر ما تؤل حی و ابو یاسر و اصحابه.

و نیز از آن حضرت در روایت برقی دارد که شخصی از آن حضرت سؤال کرد از المص حضرت جواب او را دادند ابو لبید گفت من فراموش کردم جواب آن حضرت را سپس خدمتش مشرف شدم و سؤال کردم حضرت فرمود:

(هذا تفسیر ما فی بطن القرآن قلت و للقرآن بطن و ظهر فقال نعم الحدیث.)

بلی در بعض اخبار تفسیر شده (بانا الله المقتدر الصادق)

چنانچه از ابن بابویه در خبر سعید ثوری از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده و در بعض اخبار بانقراض دولت بنی امیه تفسیر شده که در سال صد و شصت و یک هجری دولت آنها منقرض شد که آخر آنها مروان حمار بوده و این چهار حرف بحساب ابجد 161 میشود الف لام میم صاد و الله العالم.

أطبیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص: 267

نکته:

از مجموع 29 سوره که با حروف مقطعه آغاز شده، بعضی با حروف «الم» و بعضی با حرف «ص» شروع شده است، اما این سوره با مجموعه «المص» آغاز شده که شاید بیانگر آن باشد که آنچه در تمام آن سوره‌ها می‌باشد، در این سوره نیز هست. (تفسیر المیزان).

تفسیر نور، ج 4، ص: 16

عیاشی از ابو لبید بحرانی (مخزومی) روایت کرده گفت مردی در مکه حضور حضرت باقر علیه السلام رسید سؤالاتی چند از آن حضرت نمود از آن جمله پرسید معنی المص چیست؟

آنحضرت جوابی باو فرمود پس از آنکه آنمرد از حضورش مرخص شد فرمود بمن این بیاناتی که گفتم تفسیر باطن قرآن میباشد عرض کردم حضورش برای قرآن ظاهر و باطن است؟

فرمود بلی از برای کتاب خدا ظاهر و باطن و معانی بسیار است

و قرآن ناسخ منسوخ و محکم متشابه و سنن و امثال و فصل و وصل دارد، و هر کس گمان کند که کتاب خدا مبهم است هلاک شود و مردم را بهلاکت اندازد سپس فرمود ای ابو لبید حساب کن الف یک لام سی میم چهل صاد نود عرض کردم جمع آنها یکصد و شصت یک میشود فرمود هر وقت داخل یکصد و شصت یک شدید خداوند سلطنت بنی امیه را منقرض گرداند.

و نیز روایت کرده از حضرت رضا علیه السلام فرمود هر حرفی از حروفات قرآن کلید اسمی از اسماء خداوند باشد و اشاره بنعمت یا عذابست و نیست حرفی مگر آنکه اشاره است بمدت و زمان طایفه و منقرض شدن و از بین رفتن طایفه دیگر.

اسرار این حروف آنستکه بعد از حذف مکررات میشود صراط علی حق نمسکه امیر المؤمنین علیه السلام راه حق خدا است باید بدامان آن بزرگوار چنگ زد و توسل جست.

ابن بابویه بسند خود از رحمت بن صدقه روایت کرده گفت مرد زندیقی از بنی امیه نزد حضرت صادق علیه السلام آمده و بآنحضرت گفت خداوند از ذکر المص چه منظوری داشته چه حرام و حلالی در این کلمه هست و چه نفعی برای مردم دارد؟

حضرت متغیر و غضبناک شده فرمودند وای بر تو به ابجد کبیر حساب کن الف یکی و لام سی و میم چهل و صاد نود رویهم چقدر میشود؟ آن زندیق گفت جمعا یکصد و شصت و یک میشود، فرمود هر گاه یکصد و شصت و یک سال گذشت ملک و سلطنت بنی امیه که اصحاب تو هستند از بین میرود، رحمة بن صدقه راوی میگوید آخر مدت مذکور روز عاشورا بود که مسوده داخل کوفه شده و بنی امیه از بین رفتند و عیاشی نیز اینحدیث را روایت کرده.

علی بن ابراهیم از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود حی بن اخطب و ابا یاسر بن اخطب و طایفه از یهودیان نجران خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند آیا الم از آنچه هائی است که بشما نازل شده؟

فرمود بلی مجددا عرض کردند آیا این کلمه را جبرئیل از نزد حضرت پروردگار بسوی شما آورده؟

فرمودند بلی گفتند پیش از این پیغمبرانی بوده اند که مدت پیغمبری و وضع زندگی امت آنها معلوم نیست، حی بن اخطب پیش آمد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود الف بحساب ابجد یکی است و لام سی و میم چهل که جمعا هفتاد و یک میشود و این مدت پیغمبری یکی از آنهاست و مدت زمانی است که امت آن پیغمبر اعاشه و زندگی نمودند سپس حی به پیغمبر توجه نموده و عرض نمود ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا مانند الم از حروف مقطعه چیز دیگری هم هست؟

فرمود بلی المص گفت این سنگین تر و طولانی تر است الف یکی لام سی میم چهل صاد نود و جمعا یکصد و شصت و یک میشود، عرض کرد باز هم هست بفرمائید؟

فرمود الرا گفت این از دومی هم سنگین تر است الف یکی لام سی راء دویست که رویهم دویست و سی و یک میشود مجددا تقاضا کرد اگر باز هم هست بفرمائید؟

فرمودند «المرأ» گفت الف یکی لام سی میم چهل راء دویست جمعا دویست و هفتاد و یک میشود، عرض کرد آیا باز هم هست؟

فرمودند بلی حی گفت ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم امر شما بر ما مشتبه شده نمیدانم خداوند چه مواهب و عطیائی بتو و امت مرحمت فرموده و از خدمت حضرت مراجعت کردند، ابو یاسر به برادرش حی گفت نمیدانی شاید به محمد صلی الله علیه و آله و سلم تمام اینها داده شده باشد سپس فرمود حضرت باقر علیه السلام در باره این آیات فرموده آیات مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأَخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ و این حروف مقطعه که در اول بعضی از

سوره ها آمده تاویلاتی دیگر دارد غیر از آنچه حی بن اخطب و ابو یاسر برادرش برای اصحاب خودشان تاویل کردند. تفسیر جامع، ج 2، ص: 387